



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۵/آذر/۱۳۹۶

موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - واجب نفسی و غیره - تنبیهات -

مصادف با: ۷ ربیع الاول ۱۴۳۹

تنبیه سوم: عبادت طهارات ثلاث - راه حل نهم و بررسی

آن - راه حل دهم (امام خمینی)

جلسه: ۲۱

سال نهم

## «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

راه حل نهم برای مشکل عبادت طهارات ثلاث راهی است که محقق بروجردی و محقق خوبی بیان کرده اند. دیروز اجمالاً این راه حل را بیان کردیم. با این که یک تفاوت جزئی بین نظر این دو بزرگوار وجود دارد اما اصل راه حل یکی است و آن این که ما برای تصحیح عبادت وضو، غسل و تیمم یا باید مثل محقق خراسانی قائل به تعلق امر استحبابی نفسی به وضو و غسل و تیمم بشویم یا با قصد وصول به ذی المقدمه، مقدمه را اتیان کنیم. یعنی اتیان مقدمه به قصد وصول به ذی المقدمه باشد. حال بحث این است که چگونه اگر قصد وصول به ذی المقدمه شود باعث می شود که مقدمه به عبادت تبدیل شود؟ این را وعده داده بودیم که توضیح دهیم.

### چگونگی عبادت طهارات ثلاث بر طبق راه حل نهم

این که عبادت از راه اول و از طریق امر استحبابی درست شود نیازی به توضیح ندارد و طبیعی است که اگر روایتی وارد شود که دستور بدهد مثلاً بهتر آن است که همیشه وضو داشته باشی؛ عبادت وضو را ثابت می کند و قهراً آن جایی که مقدمه نماز واقع می شود پیش از آن عبادتیش ثابت شده است یعنی امر استحبابی نفسی به آن تعلق گرفته و وضو فی نفسه مستحب شده است و امر غیره وقتی می خواهد به آن متعلق شود قهراً به یک عبادت متعلق شده است یعنی به چیزی که قابلیت عبادت را دارد. البته این مشکلی دیگر نیز دارد که قبلاً نیز بیان کردیم که آیا زمانی که امر غیره می آید و به عبد می گوید: «توضاً للصلوة» در عین حال آن امر نفسی استحبابی نیز وجود دارد؟ یعنی هم امر غیره و هم امر نفسی هر دو باهم می توانند باقی بمانند؟ این مشکلی است که قبلاً به آن نیز اشاره شد.

علی ای حال تصویر عبادت طهارات ثلاث با قطع نظر از این جهتی که گفتیم به وسیله امر نفسی استحبابی مشکلی ندارد. یعنی عملی است که متعلق امر نفسی استحبابی واقع شده است لذا عبادت محسوب می شود اما این که بخواهیم از این راه که وضو را اتیان کنیم به قصد ورود به نماز و به قصد وصول به نماز چگونه این قصد خودش به تنهایی سبب می شود که وضو تبدیل به عبادت شود؟ این نکته ای است که باید معلوم شود.

به طور کلی درباره عبادیت مقدمه و این که کسی مقدمه را به قصد وصول به ذی المقدمه انجام دهد سه احتمال قابل تصویر است که دو احتمال به ما ارتباط پیدا نمی کند و تنها یک احتمال است که بر اساس آن می تواند به بحث ما مرتبط شود.

**احتمال اول:** اگر مقدمه به قصد وصول به ذی المقدمه اتیان شود، بدان جهت عبادت محسوب می شود که عرفا اتیان به مقدمه شروع در امتثال ذی المقدمه است. مثلاً کسی که می خواهد وضو بگیرد و قصد او این است که با این وضو بتواند نماز بخواند از دید عرف این وضو گرفتن آغاز اطاعت امر خدا به نماز است. مثلاً کسی که به مسجد می رود وضو می گیرد تا نماز بخواند عرفاً در مورد او می گوید آماده می شود تا نماز بخواند. پس مقدمه و وضو گرفتن به قصد وصول به ذی المقدمه یعنی نماز، عرفاً شروع در امتثال امر به ذی المقدمه است. کانه به این اعتبار وضو عبادت است. در واقع شخصی که وضو می گیرد، نه این که فقط مقدمه را اتیان می کند بلکه در واقع وارد وادی امتثال امر خداوند به نماز می شود.

این احتمال کمکی به بحث ما نمی کند. زیرا اگر ثوابی به این مقدمه می دهند به خاطر خود مقدمه نیست بلکه به خاطر ذی المقدمه و نماز است در حالی که ما قصد داریم مسئله را طوری تصویر کنیم که عبادیت خود وضو تصحیح شود و طبق این احتمال برای خود وضو عبادیت درست نمی شود. زیرا اگر ما وضو را شروع در امتثال نماز بدانیم در واقع ثواب مربوط به خود نماز و ذی المقدمه است و ربطی به مقدمه ندارد.

**احتمال دوم:** اگر کسی مقدمه را اتیان می کند به قصد وصول به ذی المقدمه، به این جهت ثواب به او تعلق می گیرد که حاکی از حالت انقیاد او می باشد. معلوم است کسی که به سمت فراهم کردن مقدمات یک مطلوب مولا می رود انسانی است که در برابر امر مولا تسلیم و خاضع است و برای امر مولا اهمیت قائل است که دنبال مقدمات خواسته مولا می باشد. طبق این احتمال اگر ثوابی به این شخص می دهند به این جهت است که او منقاد و تسلیم است. اگر وضو می گیرد به قصد ورود در نماز، وضویش ثواب دارد زیرا حاکی از انقیاد و حالت تسلیم او در برابر خداوند تبارک و تعالی است.

این احتمال نیز کمکی به ما نمی کند. زیرا این عمل اگر ثواب هم داشته باشد و مقرب باشد بدان جهت است که کاشف از حالت انقیاد و تسلیم و خضوع در نفس مکلف است. یعنی این عبد تسلیمی است و عبد سرکشی محسوب نمی شود. اگر ثوابی به او داده شود به خاطر حالت انقیاد است و حالت انقیاد نیز ربطی به فعل ندارد بلکه یک حسن فاعلی است مثل تجری، یعنی کسی که به قصد مخالفت با مولا کاری می کند که در واقع آن کار مخالفت محسوب نمی شود، این کار حاکی از سوء سریره او است و قبیح فاعلی او را می رساند و ربطی به فعل ندارد. بنابر این طبق احتمال دوم نیز اگر ثواب برای وضو در نظر گرفته شود یا مقرب هم باشد بخاطر فعل وضو نیست بلکه به خاطر آن انقیادی است که از اتیان او به مقدمه کشف می شود و بخاطر انقیادش ثوابی به او می دهند و این کار را مقرب می دانند. اما این کار حاکی از حسن فعلی و عبادیت این عمل نیست. لذا این احتمال نیز قابل قبول نیست.

**احتمال سوم:** اگر کسی مقدمه را به قصد وصول به ذی المقدمه اتیان کند یعنی وضو بگیرد برای این که نماز بخواند. اما ارزش این کار به خاطر خود این مقدمه است و ثواب را به اعتبار خود مقدمه می دهند و خود مقدمه عنوان مقربیت دارد نه این که کاشف از انقیاد باشد یا شروع در اتیان به مقدمه عرفاً امتثال امر به ذی المقدمه باشد. پس نفس اتیان به مقدمه به قصد وصول به مقدمه خودش عبادت محسوب می شود و دارای ثواب مستقل است. علت این که احتمال موجب عبادیت مقدمه می شود این است که از

نظر عرف و عقلاء بین کسی که مقدمه را به قصد وصول به ذی المقدمه انجام می دهد و کسی که مقدمه را بدون این قصد انجام می دهد فرق است. یعنی عقلاء و عرف در جایی که کسی مقدمه را با قصد وصول به ذی المقدمه انجام می دهد می گویند این امتثال محسوب می شود و کسی که چنین قصدی ندارد عملش مقرب الی المولی نیست. این در حقیقت به دید عرف و عقلاء بر می گردد و قضاوتی که آن ها دارند. اگر کسی عملی را انجام می دهد واز او سوال کنند که چرا این کار را انجام می دهی؟ در جواب می گوید برای این که من را آماده می کند برای کاری که خواسته مولا است. لذا عرف و عقلاء او را تشویق می کنند و می گویند: این عمل خودش امتثال محسوب می شود. اما اگر این کار را بدون این که قصد توصل به ذی المقدمه را داشته باشد انجام دهد دیگر از دید عرف مقرب نیست و عبادت محسوب نمی شود.

این نهایت مطلبی است که در تبیین راه حل نهم می توان ذکر کرد.

خلاصه: وجه عبادیت طهارات ثلاث این است که کسی وضو، غسل یا تیمم را به قصد وصول به نماز یا طواف یا هر ذی المقدمه ای از این قبیل انجام دهد. نفس اتیان به مقدمه به قصد وصول به آن ذی المقدمه باعث می شود که این مقدمه تبدیل به عبادت شود.

### سوال:

استاد: احتمال اول این بود که امتثال مقدمه شروع در امتثال امر به ذی المقدمه است. در حالی که این جا کاری به ذی المقدمه ندارد، بلکه نفس قصد داشتن یا نداشتن وصول به ذی المقدمه از دید عرف مطرح است. جایی که این قصد باشد می گویند این خودش امتثال است و جایی که قصد نباشد امتثال و مقرب نیست. یعنی توجه سمت خود مقدمه می رود.

### بررسی راه حل نهم

این راه حل نیز محل اشکال است.

### اشکال اول

طبق بیان علمین (محقق بروجردی و محقق خویی) هر مقدمه ای اگر به قصد وصول به ذی المقدمه اتیان شود باید عبادت محسوب شود و وجهی برای انحصار عبادیت در طهارات ثلاث نیست و تمام مقدمات نماز، چنان چه به قصد وصول به ذی المقدمه اتیان شوند طبق این بیان باید عبادت محسوب شوند. مثلا شخصی که قصد خواندن نماز را دارد اگر برهنه باشد ستر عورت می کند به قصد این که نماز بخواند، طبق این ملاک باید ستر عورت نیز باید عبادت باشد و ثواب بر آن مترتب شود در حالی که کسی چنین سخنی نگفته است. کذلک تطهیر الثوب که یکی از مقدمات نماز است. اگر کسی قصد خواندن نماز را داشته باشد و متوجه شود که لباسش نجس است و به جهت ورود به نماز لباسش را پاک کند؛ طبق این بیان تطهیر ثوب نیز باید ثواب داشته باشد و عبادت محسوب شود در حالی که قطعا این چنین نیست هر چند به قصد توصل به ذی المقدمه انجام شده باشد.

### اشکال دوم

اگر کسی مقدمه را بدون قصد توصل به ذی المقدمه انجام دهد نباید ثوابی داشته باشد و عبادت محسوب شود در حالی که در مورد وضو و غسل می بینیم اگر کسی غسل کند یا وضو بگیرد بدون این که قصدش نماز خواندن باشد ثواب دارد و عبادت محسوب می شود.

پس لازمه راه حل نهم این است که وضو و غسل چنانچه بدون قصد توصل به نماز واقع شود دیگر ثواب ندارد و عبادت محسوب نشود زیرا طبق این راه حل عبادت طهارات ثلاث به قصد توصل به ذی المقدمه است. یعنی بدون این قصد نباید عبادت باشد و بدون این قصد نباید ثواب داشته باشد درحالی که قطعاً ثواب دارند.

#### اشکال سوم

اگر کسی مقدمه را با قصد وصول به ذی المقدمه انجام دهد و ذی المقدمه را نیز انجام دهد. یعنی مقدمه و ذی المقدمه را نیز اتیان کند اما بعداً معلوم شود که ذی المقدمه باطل بوده. طبق بیان این دو بزرگوار و این راه حل نباید بر این مقدمه ثواب مترتب شود و عبادت محسوب شود در حالی که ثواب بر آن مترتب است هر چند ذی المقدمه اش باطل است. بنابراین راه حل نهم نیز به نظر نا تمام است.

#### راه حل دهم (امام خمینی)

به طور کلی آن چه در همه این راه حل ها مورد نظر آقایان بوده این است که به نوعی مفروض گرفته اند که عبادت نیاز به امر دارد. چه استحبابی و چه وجوبی. به هر حال به نوعی این مسئله را مسلم گرفته اند که عبادت نیاز به امر دارد.

ولی اساساً باید خود این مسئله را بررسی کنیم که عبادت متوقف بر امر است یا بدون امر نیز می تواند چیزی عبادت شود؟ امام خمینی می فرماید: در بحث تعبدی و توصلی گفته ایم که امر تعبدی یا عبادی در واقع نیاز به قصد قربت دارد و امر توصلی آن است که متعلقش نیاز به قصد قربت ندارد. در مورد قصد قربت نیز احتمالات متعددی ذکر شد که به چه معنا است و چند احتمال در مورد قصد قربت داده شده:

۱. قصد قربت به معنای اتیان عمل به قصد امر باشد. یعنی اگر عبد نماز می خواند و باید در مورد آن قصد قربت کند، یعنی

قصد امتثال امر به نماز شد. امر به نماز از ناحیه خداوند صورت گرفته است و عبد نیز که قصد انجام این عمل را دارد

اگر از او سوال کنند که چرا نماز می خوانی؟ در پاسخ بگویند به این جهت که خداوند امر کرده است.

طبق این احتمال همه جا نیاز به امر داریم زیرا قصد قربت یعنی قصد امتثال امر و لذا باید امری باشد تا بتوانیم قصد امتثال امر کنیم.

۲. قصد قربت به معنای «اتیان الشئ بداعی کونه مقرباً للعبد الی المولا» یعنی عبد این عمل را انجام می دهد و قصد قربت

نیز می کند به این معنا که می خواهد این عمل مقرب او به خداوند باشد.

طبق این احتمال دیگر نیازی به امر نیست.

۳. قصد قربت به معنای «اتیان بشئ بداعی کونه حسناً» عبد این عمل را انجام می دهد برای این که این کار، کار خوبی

است. بداعی کونه حسناً؛ انجام این عمل برای حسن این عمل است.

اگر این احتمال را قبول کنیم در واقع دیگر کسی عمل را از روی ریا، شهوت و نفسانیات انجام نمی دهد و در این صورت هم نیازی به امر نداریم.

۴. قصد قربت به معنای «العمل بداعی کون الفعل ذا مصلحة» انجام شود. یعنی عبد این کار را انجام می دهد به این جهت که

این عمل دارای مصلحت است. مثلاً اگر نماز خوانده می شود به این جهت است که باعث معراج است یا ناهی از فحشاء و منکر است. این ها مصلحت هایی است که در ذات عمل است.

اگر این احتمال را هم قبول کنیم نیازی به امر نیست.

پس تنها یکی از معانی قصد قربت قصد امتثال امر است و طبق آن معنا ما نیاز به امر داریم اما اگر معانی دیگر را قبول کنیم دیگر نیازی به امر در عبادیت مقدمه نداریم.

اما عبادیت طبق معنایی که امام خمینی به آن متلزم شده اند بدون امر چگونه درست می شود؟ ما تاکنون مدعای امام خمینی را بیان کردیم مبنی بر این که لزوماً عبادیت متوقف بر امر نیست و در صورتی متوقف بر امر است که ما قصد قربت را به معنای قصد امتثال امر بدانیم. معانی دیگر نیز در مورد قصد قربت وجود دارد. آن چه که تاکنون ثابت شد این است که قصد قربت در آن معانی متوقف بر امر نیست. اما عبادیت آن ها چگونه قابل حل است جای بحث دارد. به عبارت دیگر ما وجه سلبی راه حل امام خمینی را ذکر کردیم که در عبادیات نیاز به امر نیست اما آن بخش ایجابی سخنان ایشان باقی مانده است که جلسه بعد مطرح خواهد شد.

### نگاه تقریبی امام عسکری (ع)

امام حسن عسکری (ع) می فرماید: اَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالِاجْتِهَادِ لِلَّهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ وَطُولِ السُّجُودِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ فِيهِذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله) صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَأَدُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَحَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا شِيعِيٌّ فَيَسْرُنِي ذَلِكَ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا جُرُوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَمَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ<sup>۱</sup>.

این روایت جامع و بلندی است که توضیح آن فرصتی طولانی طلب می کند ولی من در حد فرصت فرازهایی از این روایت را برای شما بیان می کنم، چه این که این سخنان گویا برای شرایط امروز جامعه اسلامی ایراد شده است.

امام عسکری (ع) پس از توصیه به تقوا و ورع در دین و تلاش و کوشش در راه خدا و نیز راستی در سخن و اداء امانت به کسی که شما را امین قرار داده است (چه نیکو کار چه بدکار) و طول سجده و هم چنین حسن همسایگی می فرماید: این ها اموری است که پیامبر خدا (ص) بر ای آن مبعوث شد. آن گاه حضرت درباره اهل سنت و ارتباط با آنان می فرماید: با آن ها مرآوده داشته باشید، حقوق آن ها را ادا کنید و امانتشان را حفظ کنید. در جماعاتشان شرکت کنید، در تشییع جنازه آن ها شرکت نمایید و از بیماران آن ها عیادت کنید، حسن خلق داشته باشید و با آن ها راستگو باشید. چه این که اگر این چنین باشد آن وقت گفته می شود این شیعه است و اگر کسی این چنین نباشد نمی توان نام شیعه بر او نهاد. آن گاه فرمود: باعث سرور من می شود که شیعه این چنین باشد و این موجب زینت ما است. می فرماید: «كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا» و بعد در ادامه می فرماید: «جُرُوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ» تا می توانید مودت مردم را به سوی ما جلب کنید و هر زشتی را از ما دور سازید چون هر چه از خوبی درباره ما گفته شود پس ما اهل آن هستیم و هر چه از بدی درباره ما گفته شود پس ما این چنین نیستیم.

شرایط امروز جهان اسلام واقعا اقتضاء می کند اتحاد بین مسلمین حفظ شود. در حالی که گروه هایی مثل داعش و تکفیری ها و سلفی ها همواره می خواهند از این اختلافات سوء استفاده کنند و به مسلمین ضربه بزنند و احساسات اهل سنت را علیه شیعه

<sup>۱</sup> بحار الانوار - جلد ۷۵ - صفحه ۳۷۲ باب ۲۹

تحریک کنند و به دنبال جنگ های فرقه ای و مذهبی راه بیندازند. خیلی مراقبت می خواهد. ما باید رفتار و کردارمان با دقت و احتیاط باشد. امروز روزی نیست که در این دنیا بتوان خصوصی و مخفیانه سخنی گفت یا کاری کرد؛ اصلا امکان ندارد. امروز دو نفر که با هم هستند امکان این که رفتار و سخن آن دو در همه عالم پخش شود وجود دارد. لذا نهایت هوشیاری و دقت و مراقبت می خواهد. این سیاست اهل بیت است، امام عسگری (ع) در دوران خودشان ببینید چه توصیه ای کردند که ما چگونه باید با سایر فرق اسلامی ارتباط و مناسبات داشته باشیم و امروز نیز این ضرورت اگر بیش از آن زمان نباشد کمتر نیست. امروز پیرامون خودمان این اتفاقات را دیده ایم. شش سال گروه داعش از همین نقطه وارد شد و سعی می کرد احساسات مسلمین را علیه یکدیگر تحریک کند الحمد لله با لطف خدا و مجاهدت مدافعین حرم، با مجاهدت رزمندگان از کشورهای مختلف به خصوص ایران و با هدایت های رهبر معظم انقلاب و سردار سپاه اسلام سردار سلیمانی و همه کسانی که در این مسیر واقعا تلاش کردند، مجاهدت کردند؛ این غده از جهت دولت برداشته شد اما تفکر و بقایای آن همان طور که رهبری نیز هشدار دادند هنوز هستند و این ها هنوز می توانند از این نقطه به مسلمان ها ضربه بزنند. و لذا نباید با طعن و لعن یکدیگر بهانه به دست آن ها بدهیم آن چه که آن استفاده کنند همین نکات و نقاطی است که ما بعضا از آن غافل می شویم. امروز هر اقدام وحدت بخش قطعاً موجب خشنودی امام عسگری (ع) و هر گام تفرقه افکنانه باعث ناخرسندی آن حضرت است. سلفی ها و داعشی ها در بستر این اختلافات می توانند به اهداف امروز دشمنان اسلام اعم از صهیونیسم و دیگران و امریکا و کسانی که واقعا به فکر نابودی اسلام و انقلاب و تشیع هستند می توانند از خود نزدیک شوند.

این روایت را به این مناسبت خواندم که واقعا هم از نظر اخلاقی و اعتقادی تلاش کنیم شیعه واقعی اهل بیت باشیم و هم هوشیاری داشته باشیم و هم بین خودمان هم در مناسباتمان با دیگران چه شیعیان دیگر و چه فرق اسلامی و این تابلو در برابرمان است حال اگر کسی این ها را نادیده بگیرد و به اموری استناد و اتکا کند که قطعاً معلوم نیست در این شرایط مرضی خداوند تبارک و تعالی و امام زمان و اهل بیت باشد، خواسته یا ناخواسته در مسیر دشمن گام بر می دارد. امیدوارم خداوند این بصیرت را به همه ما عنایت بفرماید.

«الحمد لله رب العالمین»